

بیایقتصاد از دیدگاه قرآن کریم و بیانات مقام معظم رهبری

جمشید ابراهیم پور سامانی

عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور

چکیده:

ازمهمترین اهداف مقدس و ضرورت نظام مقدس جمهوری اسلامی تدوین یک مبانی اساسی در حوزه علوم انسانی خاصه درحوزه اقتصاد از دیدگاه وحی و اهل بیت وحی (علیهم السلام) است که به منظور تدبیر بهینه امور اجتماعی، اقتصادی صورت می پذیرد. دراین مقاله که در آن « اقتصاد از منظرقرآن کریم» مورد بررسی قرار گرفته وازطرفی نامگذاری سال ۱۳۹۱ از سوی مقام معظم رهبری به عنوان «سال تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ی ایرانی» نگاهی اجمالی خواهیم داشت به ۷ آیه از آیات قرآن کریم که پیام هایی مرتبط با نامگذاری این سال داشته؛ و سعی میکنیم با استفاده از بیانات مقام معظم رهبری به شرح این آیات بپردازیم.

مقدمه:

اهمیت ویژه و هدفمند آیات نورانی قرآن کریم همراه با بهره گیری از تدبیرات اندیشمندان در آن، و به ویژه استفاده از افادات اهل بیت وحی (علیهم السلام) در این زمینه، بر نظریه پردازان اسلام شناس و بصیر در علوم انسانی پوشیده نیست. به همین دلیل، مباحث مبنایی اقتصاد از دیدگاه آیات قرآن کریم مورد بررسی قرار می گیرند.

* آیه اول، آل عمران / ۱۳۹: «ولاتهنوا و لاتحزنوا و أنتم الأعلون إن كنتم مؤمنین» و [شما مسلمانان] سست نشوید! و غمگین نگردید! و شما برترید اگر ایمان داشته باشید!

طبق صریح آیه ی یاد شده، مؤمنین نسبت به دیگران برتری خواهند داشت. از طرف دیگر میدانیم که یکی از لوازم برتری، بی نیازی اقتصادی از دولتهای استکباری و خودکفایی

مسلمانان است؛ زیرا بدهی است که نیاز و احتیاج به دیگران همیشه ملازم با ذلت و اسارت است. از این رو ملتی که بخواهد عزیز و سربلند زندگی کند باید ابتدا خود را از بند اسارت کفار آزاد سازد. چنین ملتی است که سزاوار صفت ایمان است و ملتی که با ذلت و خواری دست نیاز به سوی بیگانه دراز میکند، طبق صریح این آیه، ملت مؤمنی نیست. مقام معظم رهبری: «آمریکا و اذنان او هرچه تلاش کنند، نخواهند توانست این ملت را از رسیدن به قله های که امام عزیزش همه را به آن سمت هدایت میکردند، باز بدارند. اگر تمام گردن کلفتها و قلدرهای دنیا هم دست در دست یکدیگر دهند، نمی توانند ما را از حرکت به سمت جامعهی اسلامی مرفه و عادل و آباد باز بدارند. ما بحمدالله اراده ی پیمودن این راه و انجام این کار را با لطف الهی و کمک مردم داریم و چیزی هم کم نداریم. فقط مواظب باشید وحدت و شور و احساس تکلیف را در خود حفظ کنید. قرآن به مسلمانها خطاب می کند می گوید: «اگر مؤمن باشید [این کنتم مؤمنین]، نه از کسی بترسید و نه سست شوید [ولاتهنوا و لاتحنوا]. مظهر ایمان، همین شور و نشاط و تلاش و وحدت و حضور در صحنه است؛ دشمن هم از همین می ترسد. تا وقتی حضور قوی و پُرشور شما مردم استمرار دارد، ان شاء الله لطف خدا هم با ما خواهد بود.» [۱]

* آیه دوم، نساء/ ۱۴۱: «و لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً» ترجمه: و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است. در اقتصادی که مدنظر قرآن است، سعی بر این است که با استفاده از سلاح پویایی اقتصاد، حاکمیت سیاسی دولت اسلامی در روابط با بیگانگان حفظ شود، زیرا در روابط خارجی بین دولتها، مناسبات اقتصادی و سیاسی بسیار به هم پیوسته و درهم تنیدهاند، هم اکنون وابستگی سیاسی که در بسیاری از کشورهای به ظاهر مسلمان مشاهده میشود، نتیجهی مستقیم وابستگی اقتصادی آنها به ابرقدرتها است. از این رو برای حفظ اعتبار و حیثیت اسلامی، دولتهای اسلامی موظف هستند از هرگونه عملی که راه نفوذ کفار را برای تسلط بر مسلمین میگذشاید، خودداری کنند و پیشاپیش راههای نفوذی آنان را با تدبیر و سیاست ببندند و از آن جا که بزرگترین راه نفوذ آنان، تأمین نیازمندیهای اقتصادی است، از این رو اعمال سیاست اقتصادی خودکفا و همیاری عموم اقشار

در قطع وابستگی و بستن راههای نفوذی آنان، از مهمترین مسؤولیت‌های ملت اسلامی است. مقام معظم رهبری: «یک نکته این است که ما هر چه که عرض میکنیم، با این پیش فرض‌ها بایستی ملاحظه بشود. ما چند پیش فرض داریم. یکی این است که پیشرفت علمی، ضرورت حیاتی کشور در علوم مختلف است؛ البته رتبه بندی علوم را بعد عرض میکنیم که یکی از کارهای مهم است. پیش فرض دوم این است که این پیشرفت علمی، اگرچه که با فراگیری علم از کشورها و مراکز پیشرفته تر علمی حاصل خواهد شد - بخشی از آن بلاشک این است - اما فراگیری علم یک مسأله است، تولید علم یک مسأله دیگر است. نباید ما در مسألهی علم، واگن خودمان را به لوکوموتیو غرب ببندیم. البته اگر این وابستگی ایجاد بشود، یک پیشرفتهایی پیدا خواهد شد؛ در این شکی نیست؛ لیکن دنباله روی، نداشتن ابتکار، زیر دست بودن معنوی، لازمه ی قطعی این چنین پیشروی است؛ و این جایز نیست.» [۲]

* آیه سوم تا پنجم، نساء/۱۴۴، مائده/۵۱ و مائده/۵۷: «یا ایها الذین آمنوا لاتتخذوا الکافرین اولیاء من دون المؤمنین، اتریدون أن تجعلوا لله علیکم سلطاناً مبیناً» ترجمه: ای کسانی که ایمان آوردهاید! کافران را در مقابل مؤمنان برای خود دوست مگیرید. مگر میخواهید برای خدا علیه خودتان دلیلی آشکار قرار داده باشید؟! «یا ایها الذین آمنوا لاتتخذوا الیهود و النصارى اولیاء، بعضهم اولیاء بعض و من یتولهم منکم فإنه منهم، إن الله لایهدى القوم الظالمین» ترجمه: ای مؤمنان! یهود و نصاری را به دوستی مگیرید. بعضی از آنها دوستان بعضی دیگرند. هر که از شما با ایشان دوستی کند خود از ایشان است. همانا خداوند مردم ستمگر را هدایت نمیکند. «یا ایها الذین آمنوا لاتتخذوا الذین اتخذوا دینکم هزواً و لعباً من الذین اوتوا الكتاب من قبلکم و الکفار اولیاء ، واتقوا الله إن کنتم مؤمنین» ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید! با آن گروه از کفار و اهل کتاب که دین شما را به سخریه گرفته، بازیچه اش پندارند دوستی نکنید و از خدا بپرهیزید اگر مردمی با ایمانید. در این آیات میخوانیم: «مسلمانان از قبول ولایت کفار سخت برحذر داشته شده اند و از آن جا که یکی از ریشه های خطرناکی که عامل پذیرش ولایت کفار و قبول این اسارت میشود، چیزی جز نیازهای اقتصادی نیست، این آیات هرکدام با بیان ویژه‌های تأکید بر ضرورت عدم تحمل ولایت کفار و یهود و

نصاری دارد و طبعاً بهترین علاج آن خودکفایی مسلمین برای رهایی از یوغ کفار است؛ چرا که نیازمندی، سرانجام آنان را در شبکه ی صید کفار می اندازد و به سیادت و عزت و عظمت آنان لطمه وارد میسازد.» مقام معظم رهبری: «موفقیت هر ملتی در پیشرفتهای خود، نسبت معکوس با نفوذ بیگانگان و دشمنان در آن کشور دارد. اینها نسبتشان متعکس است؛ یعنی هرگاه بیگانه و یک قدرت خارجی- ولو آن قدرت خارجی علناً اظهار دشمنی نکرده باشد - نفوذش در بین مردم، قشرهای مختلف و فضای سیاسی بیشتر باشد، این ملت از آیندهای همراه با عزت و همراه با افتخار و تأمین شده، فاصلهاش بیشتر است. نه این که با هر بیگانهای باید ستیزه گری کرد؛ نه، گاهی هم انسان به خاطر مصالح، با بیگانهای دوستی می کند؛ اما به همان بیگانه دوست هم نباید اجازه داد که در امور داخل این خانه، این خانواده، این کشور و این جامعه بتواند نقش ایفا کند. از اول انقلاب که به کلی رشته های نفوذ آمریکا و دیگر قدرتمندان- فقط هم آمریکا نبود؛ منتها بدترینشان آمریکا بود- در این کشور گسسته شد، اینها دایم در فکر بودند که به نحوی در داخل کشور نفوذ کنند و به پیاده کردن فکر خودشان، حرف خودشان، کار خودشان و مقاصد و هدفهای خودشان بپردازند. از همه ی راهها هم برای این کار استفاده می کنند.» [۳] * آیه ششم، فتح/۲۹: «محمد رسول الله؛ و الذین معه أشداء علی الکفار رحماء بینهم، تراهم رکعاً سجداً یبتغون فضلاً من الله و رضواناً، سیماهم فی وجوههم من أثر السجود، ذلک مثلهم فی التوراة، و مثلهم فی الإنجیل کزرع أخرج شطئه فأزره فاستغلظ فاستوی علی سوقه یعجب الزراع لیغیظ بهم الکفار، وعد الله الذین آمنوا و عملوا الصالحات منهم مغفرةً و أجراً عظیماً» ترجمه: محمد(صلی الله علیه وآله) فرستاده ی خداست؛ و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید و در میان خود مهربانند؛ پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود میبینی در حالی که همواره فضل خدا و رضای او را می طلبند؛ نشانهی آنها در صورتشان از اثر سجده نمایان است؛ این توصیف آنان در تورات و توصیف آنان در انجیل است، همانند زراعتی که جوانه های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است و به قدری نمو و رشد کرده که زارعان را به شگفتی وا میدارد؛ این برای آن است که کافران را به خشم آورد (ولی) کسانی از آنها را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، خداوند وعدهی آمرزش و اجر عظیمی داده

است.

مفاد این آیه، با توجه به توصیف امت اسلام با جمله ی «فاستغلف فاستوی علی سوقه» (نیرومندی و بر پای خود ایستادن)، قدرت یافتن مسلمانان و رسیدن آنان به آن درجه از شکوه و عظمتی است که دشمنان اسلام تاب تحمل آن را نداشته باشند. به طور حتم تا چنین هدفی در عملیات اقتصادی منظور نگردد و مسلمانان خود را از نقش پیرو و دنباله رو بیرون نیاورند، نه تنها در صحنه ی اقتصاد پیوسته شکست می خورند، بلکه در اخلاق و فرهنگ که منشأ هر گونه شکست مادی و معنوی دیگر است، شاهد سقوط قطعی خود خواهند بود. در نتیجه مسلمین باید اقتصادی خودکفا و غیرمتکی به غیر داشته باشند و اقتداری که به دنبال آن هستند باید هم اقتدار سیاسی، هم اقتدار نظامی و هم قدرت اقتصادی و هم توانمندی فرهنگی باشد.

مقام معظم رهبری: «اسلام پیروان خود را این جور تربیت میکند: «و الذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم تراهم رکعا سجدا یتبتغون فضلا من اللّٰه و رضوانا سیماهم فی وجوههم من اثر السّجود»؛ اینها نشانه های امت اسلامی است. اینها آن معنویتی است که در آنها وجود دارد؛ آن توکل، آن توجه به خدا، آن تذکر، آن خضوع در مقابل پروردگار. این، خاصیت پرورش انسان مسلمان و مؤمن است. اسلام این جور انسانی پرورش میدهد. در مقابل خدای متعال، خاضع؛ با برادران ایمانی، رحیم، مهربان؛ اخوت اسلامی برقرار؛ اما در مقابل مستکبران، در مقابل ظالمان، مثل کوه استوار می ایستند؛ «و مثلهم فی الانجیل کزرع اخرج شطئه فأزره فاستغلف فاستوی علی سوقه». این، همان مراحل رشد امت اسلامی است؛ سر میزند، رشد میکند، بالندگی پیدا میکند، مستحکم میشود. «یعجب الزّراع»؛ خود آن کسانی که این زمینه را فراهم کردند، به شگفت می آیند. این دست قدرت الهی است که این جور انسانها را رشد میدهد. «لیغیظ بهم الکفار»؛ دشمن مستکبر وقتی به این انسان مسلمان تربیت شدهی بالیده ی در دامان اسلام نگاه میکند، معلوم است که به خشم می آید و ناراحت میشود. ما باید این جوری عمل کنیم. خود را بسازیم. خود را با قرآن تطبیق دهیم. اخلاق خود را، رفتار خود را، با دوستان، با معارضان و معاندان، با مستکبران، طبق برنامه ی قرآن تنظیم کنیم. خداوند متعال وعده کرده است که به افرادی که این جور حرکت کنند، پاداش خواهد داد، اجر خواهد داد.

این اجر، هم در دنیاست، هم در آخرت. در دنیا عزت است، برخورداری از زیبایی ها و تمتعات الهی در این عالم است - که برای انسانها فراهم کرده است - در آخرت هم رضوان الهی و بهشت الهی است.» [۴]

* آیه هفتم، ممتحنه/۱: «یا ایها الذین آمنوا لاتتخذوا عدوی و عدوکم أولیاء تلقون إلیهم بالمودة و قد کفروا بما جاءکم من الحق» ترجمه: ای کسانی که ایمان آوردهاید! دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید! شما نسبت به آنان اظهار محبت میکنید، در حالی که آنها به آنچه از حق برای شما آمده کافر شدهاند! پارهای از مؤمنان که از مکه به مدینه مهاجرت کرده بودند در نهان رابطه ی دوستی خود را با برخی از مشرکان حفظ کرده بودند تا بدین وسیله کفار مشرک از فامیل و کسانشان در مکه نگهداری کنند و آنها را تحت حمایت خود بگیرند. آیهی یاد شده مسلمانان را حتی از این مقدار مودت و پیوند برحذر میدارد. اکنون که تا این حد رابطه با کافران ممنوع است باید دید اسلام در مورد پارهای از زمامداران کشورهای اسلامی که از نظر بازرگانی، کشاورزی، صنعتی و سرانجام در همهی امور اقتصادی، کشورهای خود را وابسته به کفار، مشرکان و یهود صهیونیست کرده اند، چه نظری دارد. تردیدی نیست که این گونه پیوندها قبل از این که مسلمانان را از مشکلات اقتصادی نجات بخشد به مفاسد اخلاقی و ضلالتهای فکری که منشأ همه گونه وابستگیهای اقتصادی است، میکشاند و سرانجام با دریافت وامهای ربوی، در مقابل تراج ذخایر ملی، آنان را به ورشکستگی اخلاقی و اقتصادی سوق خواهد داد. بنابراین بار دیگر با صراحت اعلام میشود که هیچ گونه راه حلی برای نجات مسلمین از چنگال این استعمارگران دیو صفت، جز خودکفایی خود مسلمانان، نخواهد بود. [۵]

مقام معظم رهبری: «هر ملتی و کشوری در طول زندگانی ممتد خویش، دورانیهای و حوادثی را می گذراند که تأثیر آن در سرنوشت تاریخی او، بسی تعیین کننده و ماندگار است و می تواند او را به نیک بختی و عزت و اقتدار، یا سیه روزی و ذلت و حقارت بکشد. این حوادث هر چند سالها به طول انجامد در مقایسه با عمر ملتها، در حکم لحظهای زودگذر است و اگر ملتی در تند باد چنین حوادثی قرار میگیرد از خود اراده و هوشمندی و ایمان و استقامت نشان دهد قله های شرف و بهروزی را فتح میکند و قدم در جادهی پیشرفت و تعالی میگذارد و با

هر گردنهی دشوار و سنگلاخی مواجه شود از آن عبور می‌کند و خود را به هدف می‌رساند. ولی اگر ضعف و تن پروری و دل سپردن به لذت و راحت موقت و ناهوشمندی و بی‌ارادگی و بی‌ایمانی گریبانگیر او شود آینده‌ی خود را تباه می‌کند و دستخوش ذلت و اسارت و وابستگی می‌شود و همهی سختیها و گرفتاریهای ملل عالم که ناشی از وابستگی و اسارت است پی در پی و به تدریج بر او می‌تند و او را دچار بدبختی دنیا و آخرت می‌کند. ملت‌های پیشرو و موفق جهان در همهی دورانها، ملت‌هایی هستند که در یکی از چنین لحظه‌های تاریخی تصمیمی شرافتمندانه و شجاعانه گرفته و سختیهای مجاهدت و پایداری را با شوق و شور، تحمل کرده‌اند و خود را با تلاش و هوشمندی به نقطه‌ی امن و عزت و استقلال رسانده‌اند. ملت بزرگ ایران در انقلاب اسلامی کبیر خود در سال ۱۳۵۷ به اولین پیروزی تاریخی خود رسید. یکی از زیباترین و شگفت‌انگیزترین نمایشها را از این گونه در صحنه‌ی تاریخ اجرا کرد. رژیم پهلوی که در بی‌کفایتی و فساد و سرسپردگی به بیگانگان در میان حکومت‌های فاسد این منطقه از همه روسیاهتر بود در طول دهها سال حکومت خود بزرگترین ضربه‌ها را بر ملت و کشور ایران وارد آورده بود، ملت را با دیکتاتوری خشن و سرکوب بیرحمانه از صحنه‌ی سیاسی کشور بیرون رانده، منافع کشور را قربانی بندوبست با قدرتهای مداخله‌گر و کمپانی‌های غارتگر کرده، جوانان را با رواج ابتذال و شهوترانی از اندیشیدن به سرنوشت کشور بازداشته و صدای هر معترض و آزادی‌خواهی را در گلو شکسته بود. با نابود کردن کشاورزی ملی و وابسته کردن صنعت ناقص و معیوب و باز گذاشتن دست بیگانگان حریص و نوکران دربار و غارت منابع نفتی و بذل و بخشش ثروت ملی به اربابان آمریکایی و اروپایی و ویران کردن روستاها و تبدیل ایران به بازار کالاهای بی‌ارزش خارجی و پسماندهی محصولات کشاورزی آمریکا و برنامه‌های خائنانه‌ی دیگری از این قبیل، اقتصاد کشور را دچار انحطاط مزمین و وابسته به اراده‌ی قدرتهای خارجی کرده و رگ حیات ملت را به دست دشمنان سپرده بود. نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی عظیم در میانه‌ی سالهای ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۷ در چنین شرایطی آغاز شد و رشد و تکامل یافت. امام بزرگوار ما با تکیه به تعالیم اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه وآله) و با اعتماد به ایمان دینی مردم و با شجاعت و اخلاص و توکل کم نظیر خود، راه مبارزه را در میان سختیها و مصائب طاقت فرسا گشود و پیش رفت و

صبورانه و پیامبرگونه ذهن و دل مردم را با واقعیت های تلخ و راه علاج آن آشنا کرد. ملت ایران که از اولین قدم ها به ندای این مرد الهی و روحانی گوش فراداده و به منطق حق و درس روشنگر او دل بسته بودند، با انگیزهی نیرومند ایمان و عشق به اسلام، فداکاریها و جانفشانی های فراموش ناشدنی کردند. در سازندگی مادی کشور آنچه در این بیست سال اتفاق افتاده، در همهی دوران حکومت جباران پهلوی و پیش از آن بی سابقه است و حجم خدماتی که در این مدت به دست فرزندان کشور و پروردگان انقلاب تقدیم ایران عزیز شده است فهرستی بلند و افتخارآمیز دارد و البته در رأس همه ی آنها و مهمترین خدمت انقلاب در زمینهی بنای علمی و عمرانی کشور، روح خودباوری و اعتماد به نفسی است که سرمایهی از دست رفتهی ملت ایران در طول قرنهای اخیر بود و نابود کردن آن، گناه بزرگ پادشاهان بی کفایت و دست نشاندهی غرب بوده است. امروز ایرانی احساس می کند که خود قادر به اداری کشور، قادر بر سازندگی، قادر بر عبور از موانع و قادر بر ابتکار و نوآوری است و این همان سرمایهی لایزالی است که هر ملتی را در رسیدن به هدفهای خود کامیاب می سازد و همین است که در ۲۰ سال گذشته آن همه افتخارات را در زمینه های علمی و صنعتی و نظامی و سیاسی نصیب ملت ایران کرده است. [۶]

منابع

۱. بیانات در مراسم بیعت جمع کثیری از اقشار مختلف مردم سراسر کشور؛ ۱۳۶۸/۰۴/۱۸
۲. بیانات در دیدار نخبگان علمی و اساتید دانشگاهها؛ ۱۳۸۷/۰۷/۰۳
۳. بیانات در دیدار دانشجویان و دانش آموزان و جانبازان؛ ۱۳۷۹/۰۸/۱۱
۴. بیانات در دیدار مسؤولان نظام در روز میلاد پیامبر(صلی الله علیه و آله)؛ ۱۳۸۹/۱۲/۰۲
۵. پیامهای اقتصادی قرآن، دکتر سیدجمال الدین موسوی اصفهانی
۶. پیام به ملت ایران به مناسبت بیستمین سالگرد انقلاب اسلامی؛ ۱۳۷۷/۲/۱۱